



محرك های محلی جنگ و صلح در جنوب افغانستان

یافته های گردهمایی محلی برای صلح



پس منظر

چهار ولایت مذکور متعلق به مجموعه فرهنگی و جغرافیایی لوی کندهار می باشند که ولایت فعلی فراه در غرب، بخش هایی از نیمروز در جنوب غرب و در آن سوی سرحد، پبش تونخواه جنوبی در بلوچستان پاکستان را فرا می گیرد.

در تمام این چهار ولایت، هرچقدر از مراکز ولایات و قریه های بزرگتر فاصله بگیریم، زیربنا ها به طور فزاینده ای ضعیف تر می شوند، در حالیکه فاصله به مکاتب، کلینیک ها و مراکز خدمات دولتی زیادتر می شود.

این ولایات دارای پایین ترین میزان شمولیت دختران در مکاتب در سال ۲۰۲۰ می باشند که بسیار پایین تر از میزان اوسط ملی ۳۹ فیصد است: این رقم در ارزگان ۲۲ فیصد، در هلمند ۲۱ فیصد، در زابل ۲۲ فیصد و در کندهار ۲۵ فیصد است (NSIA, 2021). سه مورد از ولایات فوق الذکر با داشتن شاخص فقر چندبُعدی بالای ۷۰ فیصد در بین فقیرترین ولایات کشور قرار می گیرند: زابل با ۷۷ فیصد، هلمند با ۷۴ فیصد و ارزگان با ۷۱ فیصد (NSIA, 2019).

شکل ۱: تخمین نفوس (۲۰۲۰)

ولایت	شهری	روستایی	مجموع
کندهار	۵۲۳,۲۵۹	۸۷۶,۳۳۵	۱,۳۹۹,۵۹۴
هلمند	۱۰۰,۳۶۱	۱,۳۴۵,۸۶۹	۱,۴۴۶,۲۳۰
ارزگان	۱۶,۰۶۸	۴۲۰,۰۱۱	۴۳۶,۰۷۹
زابل	۱۳,۰۰۹	۳۷۱,۳۴۰	۳۸۴,۳۴۹

منبع: اداره ملی احصایه و معلومات (۲۰۲۱)

هر چهار ولایت و بخصوص ساحاتی که از مراکز ولایتی فاصله زیادی دارند، دارای سطوح بالای ناامنی و درگیریهای دوره ای میان قوای امنیت ملی افغانستان و گروه های مسلح مخالف دولت می باشند. کندهار و هلمند در بین ولایات دارای بالاترین میزان فعالیت جنگی بودند که بین ماه های نومبر ۲۰۱۹ و اکتبر ۲۰۲۰ گزارش شده است (UNSG, March 17, 2020; UNSG, December 9, 2020). قتل های هدفمند قوای اردو و پولیس، کارمندان دولت، اعضای رسانه ها و فعالان جامعه مدنی از سال ۲۰۱۸ بدین سو در کندهار، هلمند و زابل افزایش یافته

به سوی صلح پروژه مشترک بنیاد فریدریش ایبرت (SEF)، مؤسسه مطالعات عامه افغانستان (ORPPA) و میدیوتیک افغانستان برای انکشاف و صلح (OPDAM) میباشد.

این پروژه برای تسهیل تبادل نظر منظم درباره موانع محلی و فرصت های صلح در هفت زون؛ کندهار، هرات، بلخ، بدخشان، بامیان، ننگرهار و کابل طراحی شده است.

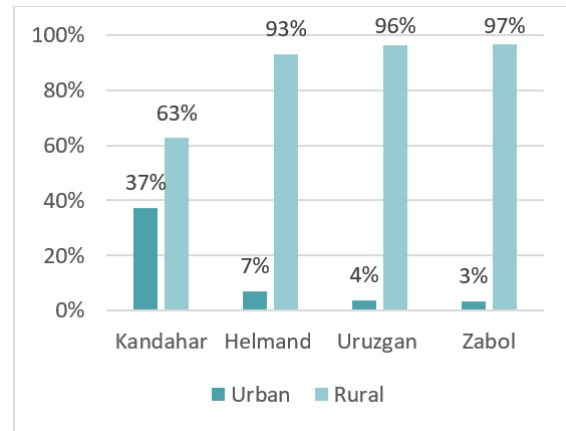
این پروژه به برگزاری یک سلسله گردهماییهای محلی برای صلح می پردازد تا افغانها «در جاهایی که هستند» درباره راههای حل منازعات از طریق گفتگو، تبادل نظر و فعالیت سهم بگیرند. در نتیجه، این رویدادها مشارکت فعال در سطح اجتماع را در تلاش برای ایجاد یک چشمانداز مشترک برای صلح ترغیب میکند. تهیه نشریات و تولیدات رسانهای تصویری کمک میکند تا ذینفعان محلی، ملی و بینالمللی در این باره آگاه شوند و توصیه هایی برای مشارکت در آینده ارائه دهند.

این چکیده توسط مؤلفین، لوسیل مارتین و سعید پرتو، به عنوان بخشی از همکاری میان بنیاد فریدریش ایبرت (SEF)، مؤسسه مطالعات عامه افغانستان (ORPPA) و میدیوتیک افغانستان برای انکشاف و صلح (OPDAM) تهیه گردیده است.

در پانزدهم مارچ ۲۰۲۱ گردهمایی محلی برای صلح در شهر کندهار برگزار شد که نمایندگان جامعه مدنی از چهار ولایت جنوب افغانستان را گردهم آورد: کندهار، هلمند، ارزگان و زابل. در بخش ذیل یک نظر اجمالی از ابعاد جمعیت، جغرافیا، اقتصاد و جنگ در هر ولایت ارائه می شود. به دنبال آن نظری اجمالی بر روند برگزاری این گردهمایی خواهیم داشت. در ختم چکیده نتایج عمومی مباحثات ارائه خواهد شد.

است (Ruttig, 19 October 2018; Faizi, 26 September 2019; Abed and Faizi, 2 January 2020).

شکل ۲: سهم نفوس شهری و روستایی



برگرفته از اداره ملی احصاییه و معلومات (۲۰۲۱)

ولایت **کندهار** از جنوب و شرق با پاکستان، از شمال با ارزگان و زابل و از غرب با هلمند هم مرز است. چنانکه در اشکال ۱ و ۲ می بینید، کندهار شهری شده ترین ولایت در میان ولایات چهارگانه است که ۳۷ فیصد نفوس آن در ساحات شهری و اکثراً در داخل و اطراف شهر کندهار زندگی می کنند. زبان اول اکثر باشندگان ولایت پشتو است و اجتماعات دریزبان یا «فارسی وان» عمدتاً در ساحات شهری و اقلیت های بلوچ در دشت ها زندگی می کنند.

شهر کندهار که در تقاطع شاهراه های کابل، هرات و کویتۀ پاکستان واقع شده است، مرکز تجاری اصلی جنوب افغانستان و دومین شهر بزرگ کشور به شمار می آید. این شهر بخشهای جنوبی کشور را به مرز افغانستان-پاکستان که از اسپینبولدک چمن تا کویتۀ امتداد می یابد، متصل می کند. این سرحد به عنوان مرکز عمده قاچاق در نظر گرفته می شود (Sabawoon and Ruttig, August 12, 2019).

تاریخچه شهر کندهار که به زمان تأسیس آن توسط اسکندر مقدونی بر می گردد و نخستین امپراتوری افغان در سده هجدهم به شمار می آید، و همچنان موقعیت استراتژیکی آن در مسیرهای تجاری آسیای میانه، گویای اهمیت این شهر به عنوان مرکز تجارت و قدرت سیاسی

تا به امروز می باشد (Britannica, 2013).

ولایت کندهار به عنوان خاستگاه جنبش طالبان که در خلال حکمرانیشان در شهر کندهار مرکزیت داشته اند (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، در نظر گرفته می شود. کندهار با توجه به موقعیتش در سرحد با پاکستان یک ولایت استراتژیکی برای این گروه می باشد. زابل و هلمند نیز دارای اهمیت استراتژیکی مشابهی برای طالبان می باشند.

از سال ۲۰۱۶ طالبان کنترل ولسوالی های دورافتاده ولایت را بدست گرفته اند؛ جریانی که بعد از کشته شدن عبدالرزاق اچکزئی، قوماندان امنیه پولیس و قدرتمند محلی، در اکتبر ۲۰۱۹ تسریع یافت. با این حال، ولسوالی های مرکزی در وضعیت ثبات نسبی باقی مانده اند (Sabawoon and Ruttig, August 14, 2019; UNSG, February 28, 2019).

هلمند بزرگترین ولایت افغانستان است که از جنوب با پاکستان، از غرب با نیمروز، از شمال غرب با فراه و غور، از شمال شرق با دایکندی و ارزگان و از شرق با کندهار هم مرز است. دریای هلمند که از سلسله جبال هندوکش این ولایت در شمال سرچشمه می گیرد و به نیمروز در جنوب غرب سرازیر می شود، منبع اولیه آب دره هلمند را تشکیل می دهد که یکی از حاصلخیزترین مناطق افغانستان به شمار می آید. ۹۳ فیصد نفوس هلمند روستایی بوده و ۷ فیصد آن ساکنان شهری میباشند که در مرکز لشکرگاه زندگی می کنند. پشتو زبان اصلی اکثر باشندگان آن است و بعضی از اقلیت های بلوچ در جنوب و دری زبان های هزاره در شمال ولایت زندگی می کنند. هلمند ولایتی است که به طور تخمینی بیشتر از ۹۰،۰۰۰ جریب از اراضی آن به کشت تریاک اختصاص یافته است (UNODC, 2021).

ارزگان از شمال با دایکندی، از جنوب با کندهار، از غرب با هلمند، از شرق با غزنی و از جنوب شرق با زابل هم مرز است. سرحدات فعلی این ولایت در ماه مارچ ۲۰۰۴ تعیین گردید، یعنی زمانی که دایکندی بنا به مطالبات دیرینه نفوس هزاره از ارزگان جدا شد. دریای ترینکوت و دریای غور که به ترتیب از شمال شرق و شرق کشور

سرچشمه می گیرند در مرکز ولسوالی ترینکوت یکجا شده و از آنجا به دریای هلمند سرازیر می شوند که از دهراوود عبور کرده از شمال تا جنوب امتداد می یابد. دره های واقع در اطراف این دریاها محورهای اساسی تولیدات زراعتی ولایت می باشند که حدود سه چهارم مساحت آن پوشیده از کوهستان می باشد. با توجه به اینکه زراعت عمدتاً وابسته به بهره برداری از آب های سطحی است، خشکسالی و سوء مدیریت منابع آبی فشار مضاعفی به اقتصاد محلی این ولایت وارد می کنند.

حضور دولت عمدتاً محدود به مرکز ولایت یعنی ترینکوت است. غیاب دولت مرکزی در ولسوالی ها و دلسردی گسترده از دولت به دلیل فساد شایع باعث شده است تا بعضی از باشندگان به خدمات عدلی عرضه شده توسط طالبان متوسل شوند (Arabnews, Febru- ary 9, 2020). گزارش هایی مبنی بر درگیری بین طالبان و قوای دولت در سرتاسر سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ وجود دارد. در سال ۲۰۲۰، تلفات ملکی تا ۲۶ فیصد در مقایسه با ۲۰۱۹ افزایش یافته که عمدتاً ناشی از درگیریهای زمینی، مواد انفجاری دست ساز و حملات هوایی قوای امنیت ملی/ناتو بوده است (UNAMA, 2021).

زابل از جنوب شرق با پاکستان، از غرب با کندهار، از شمال غرب با ارزگان، از شمال شرق با غزنی و شرق با پکتیکا هم مرز است. زابل یکی از فقیرترین ولایات افغانستان به شمار می آید (NSIA, 2019). عرضه خدمات عامه بویژه در خارج از قلات (مرکز ولایت) به شدت ضعیف و محدود است. احساسات ضد دولت در این ولایت که یکی از پایگاه های طالبان به شمار می آید، شدید است. در سال ۲۰۱۹ شرایط امنیتی با توجه به اینکه تنها یک ولسوالی تحت کنترل دولت و حداقل دو ولسوالی تحت کنترل کامل طالبان قرار داشت، رو به وخامت نهاد. زابل یکی از پایگاه های طالبان قلمداد می شود (Sabawoon, 5 November 2019; Sharafat and Bezhan, 16 December 2018). القاعده و دولت اسلامی ولایت خراسان نیز بنا به گزارشات در این ولایت حضور دارند (UNAMA, 2021).

از ولایات فوق الذکر هفتاد نفر (۴۱ مرد و ۲۹ زن) در پانزدهم مارچ در گردهمایی صلح کندهار اشتراک کردند.

انتخاب اشتراک کنندگان شبیه به پروسه گزینش اشتراک کنندگان بحث های گروهی بوده است که پاسخ های شان هرچند آگاهانه بوده است، به عنوان باز نمود کل جمعیت در ولایات چهارگانه در نظر گرفته نشده است.

طیف سنی اکثر اشتراک کنندگان ۲۰ تا ۳۵ سال بوده و ۱۵ شخص بالای ۴۰ سال در بین آنان حضور داشته اند. اکثر اشتراک کنندگان تعلیم دیده بودند. همچنین، اکثریت بزرگ اشتراک کنندگان از مراکز ولایات بودند. رهبران دینی که به گردهمایی دعوت شده بودند، به دلیل نگرانی امنیتی حضور بعمل نیاوردند و تنها برخی از رهبران محلی اشتراک کردند. آنعده از رهبران محلی که دعوت به گردهمایی را رد کرده بودند نیز دلایل مشابهی ارائه کردند.

توقعات اشتراک کنندگان درباره صلح

اکثر اشتراک کنندگان در مورد عواقب احتمالی توافق بین طالبان و جمهوری اسلامی افغانستان در ارتباط با آزادیهای اجتماعی بویژه برای زنان اظهار نگرانی کردند. آنها از سوی دیگر توقع داشتند که خاتمه دادن به خشونت بین طرفین می تواند امنیت فزینی بیشتری به بار آورده و سرانجام منجر به بهبود در دسترسی به تعلیم، فرصت های اقتصادی و عدالت شود، البته به شرطیکه تدابیر مقتضی به اجرا گذاشته شود تا هیچ یک از آنها توافق را نقض نکنند.



FES, MADPO, APPRO / علی رضا کیهان

در هر گردهمایی اشتراک کنندگان مسائل عمده ای را شناسایی میکنند که بر پویایی های جنگ در اجتماعات شان تأثیرگذار است. هر گاه اشتراک کنندگان به توافق نظر برسند، مسائل شناسایی شده در درون گروه ها به بحث گذاشته می شود. هر گروه موظف به تشخیص این نکته می شود که عوامل جنگ چطور می تواند در راستای ایجاد شرایط صلح پایدار تحت رسیدگی قرار گیرند.

عوامل محلی جنگ

چهار مسئله شناسایی شده در گردهمایی کندهار عبارتند از:

- نبود حاکمیت قانون؛
- اقتصاد ضعیف؛
- منازعات درون اجتماعی و نزاع های قومی و خویشاوندی؛
- نگرانی درباره روند صلح.

سپس نمایندگان هر گروه نتیجه بحث های شان را به پنل ارائه کردند که متشکل بود از یک مقام بلندپایه از دفتر ولایت کندهار، یک استاده دانشگاه و دو فعال حقوق زن از کندهار و زابل.

خلاصه ای از مسائل شناسایی شده و اینکه از دیدگاه اشتراک کنندگان و پناهیست ها چگونه می توانند تحت رسیدگی قرار گیرند، در ذیل می آید.

مسئله اول: نبود حاکمیت قانون

اشتراک کنندگان در این زمینه اتفاق نظر دارند که به طور کلی میزان آگاهی در مورد قانون اساسی و چارچوب قانونی در بسیاری از اجتماعات پایین است. حتی زمانی هم که آشنایی نسبی درباره قوانین وجود داشته است، تطبیق نامؤثر قوانین، اعتماد و احترام شهروندان را نسبت به نظام حقوقی رسمی خدشه دار کرده است. به گفته یک پناهیست:

به دلیل سال ها جنگ و بی قانونی، متابعت از قانون دیگر بخشی از رفتار مردم نیست. اگر

قوانین تنفیذ و از آن پیروی نشود، خشونت افزایش می یابد و حقوق پایمال خواهند شد. حل و فصل منازعات مشروعیت می طلبد که در زمان جاری تنها از طریق ریش سفیدان و رهبران محلی میسر است. اگر این ریش سفیدان و رهبران محلی از قانون پیروی نکنند، پس هیچ کس از آن پیروی نمی کند. --- پناهیست مرد ۲، دانشگاهی.

در عین زمان اشتراک کنندگان به طور گسترده ای به این باور بودند که بسیاری از مقامات دولت از قانون سوء استفاده می کنند که به نوبه خود بی اعتمادی مردم را به مقامات دولت افزایش می دهد. یک دیدگاه مکرر در طول مباحث این بود که فساد اداری و واسطه بازی موجب رنجش شهروندانی شده است که از جانب نظام عدلی رسمی از آنان تقاضای رشوت می شود. در عوض بسیاری از آنان ترجیح می دهند در حل منازعات شان به مراجع دینی یا مکانیزم های سنتی که کمتر فاسد و سریع تر پنداشته می شوند، مراجعه نمایند.

مسئله دوم: اقتصاد ضعیف

فقر گسترده و اقتصاد ضعیف در ترکیب با جنگ های جاری و طولانی مدت، افغانستان را از بهره وری از ثروت معدنی طبیعی و تولیدات زراعتی باز می دارند. به گفته یک اشتراک کننده، حتی اگر جنگ حل و فصل شود:

بدون داشتن یک پلان درست، رشد اقتصادی به میان نخواهد آمد. کشور بازم وابسته به مساعدت خارجی خواهد بود و عایدزایی نخواهد توانست. - اشتراک کننده مرد ۱، جامعه مدنی.

برخی از اشتراک کنندگان اظهار دلسردی کردند و تشریح کردند که کمک های تمویلی که می توانستند در زیربنای اقتصادی سرمایه گذاری شوند، به سوی خارج منحرف شده اند. دیگران متذکر شدند که واسطه بازی و خویش گماری هنوز هم دسترسی به بازار کار را برای بسیاری از افراد محدود می سازد.

مورد استفاده قرار گیرد.



FES، MADPO، APPRO / علیرضا کیهان

مسئله سوم: منازعات درون اجتماعی و نزاع های قومی و خویشاوندی

یکی از گروه ها متذکر شد که قدرتمندان معمولاً متمایل به خدمت کردن به خانواده و خویشاوندان شان به بهای چشمپوشی از دیگران هستند. اعضای گروه همچنین تشریح کردند که شکاف ها و منازعات درون اجتماعی (بر سر منابع یا ناشی از لطمه وارد شدن به شهرت و احترام) خطر شدید چندپارچگی در سطح اجتماع را در پی داشته اند.

اشتراک کنندگان تأکید کردند که به منظور پیشگیری و حل منازعات محلی، اعضای اجتماع باید به مسئولیت اجتماعی رهبران محلی و رهبران دینی شان در راستای رسیدگی به نیازهای اجتماع متوسل شده و در صورت لزوم از جوانب ثالث و بی طرف تقاضای میانجیگری کنند.

مسئله چهارم: نگرانی ها درباره روند صلح

اشتراک کنندگان گروه چهارم تشریح کردند که هم بیعلاقگی نسبت به مذاکرات بین جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان در دوحه قطر وجود دارد و هم اینکه جمعیت ساکن ولایات جنوبی نسبت به نتایج بالقوه این پروسه بی اعتماد می باشند.

آگاهی و علاقمندی کم نسبت به روند صلح به چگونگی تشریح معلومات درباره مسائل اجتماعی بویژه برای زنان که به زندگی اجتماعی دسترسی کمتر



FES، MADPO، APPRO / علیرضا کیهان

فقر و نبود فرصت های اقتصادی نیز به عنوان عواملی که به استخدام مردان جوان توسط گروه های مسلح مخالف دولت کمک می کرد، مورد اشاره قرار گرفت:

مسئله ای که ایجاب کمی توجه را می کند، رابطه میان مشکلات اقتصادی و جنگ است. اکنون همه می دانند که بسیاری از مردان جوان به دلیل نداشتن فرصت های اقتصاد به گروه های مسلح مخالف دولت ملحق می شوند [...] بعد از توافق صلح باید تلاش صورت گیرد تا معیشت های بدیل برای این جنگجویان جوان ملکی سازی شده فراهم گردد تا از بازگشت شان به جنگ مسلحانه جلوگیری شود. - پنالیست زن شماره ۲، جامعه مدنی

اشتراک کنندگان چند شیوه را برای رسیدگی به مسائل اقتصادی شناسایی کردند. آنها ضمن اشاره به ظرفیت چشمگیر ولایت هلمند در تولیدات زراعتی، بر اهمیت تقویت زنجیره ارزشی زراعتی تأکید نمودند.

برخی از آنها همچنین تأکید کردند که سرمایه گذاری های چشمگیر در زیربنای حمل و نقل (ترانسپورت) می تواند میزان حمل و نقل اجناس میان بازارهای ملی و بین المللی را افزایش دهد. پیشنهاد دیگر این بود که ثروتمندان به سرمایه گذاری در کشور و افزایش پایگاه صنعتی شان تشویق شوند.

در آخر گفته شد که افغانستان دارای تعداد قابل توجه افراد تحصیل کرده ای است که در حال حاضر بیکارند. این مقدار بی سابقه سرمایه انسانی باید به شکل بهتر

و با افراد خارج از دایره خانواده تعامل کمتری دارند، نسبت داده شده است.

به منظور افزایش علاقمندی و آگاهی درباره صلح، اعضای تیم انتخابی باید به شکل مناسب به مردم معرفی می شدند. [...] باید اطمینان حاصل شود که تیم مذاکره کننده با طالبان می داند که دلایل ریشه ای جنگ در کندهار با دلایل جنگ، مثلا، در بدخشان فرق دارد. - پناهیست زن شماره ۱، جامعه مدنی

عواملی که به بی اعتمادی عمومی نسبت به روند صلح کمک می کنند، شامل آگاهی کم و محرز نبودن اوضاع جاری و نتایج روند صلح می باشند. برعلاوه، تبلیغات منفی درباره روند صلح از جانب مخالف آن وجود دارد. دلسردی نسبت به روند صلح بواسطه شکنندگی اوضاع امنیت تشدید می شود. افزایش تاکتیک های قتل هدفمند توسط گروه های مسلح مخالف دولت در ولایات جنوبی فشار مضاعفی بر نمایندگان محلی وارد می کند:

با توجه به قدرت ارزش های دینی در افغانستان، مراجع دینی و ریش سفیدان در زمینه سازی برای برقراری صلح در تناسب با ارزش های دینی و سنتی می توانند نقش بسیار سازنده ای ایفا کنند اما این امر تاکنون تحقق نیافته است، چون علماء و ریش سفیدانی که خشونت را ترویج نموده و خواهان صلح می شوند نیز هدف حملات گروه های مسلح قرار گرفته اند. - پناهیست مرد شماره ۱۰، دولت.

به طور مشخص تر، اشتراک کنندگان نسبت به مذاکرات جاری در دوحه بی علاقه بودند و در مورد موضوع نمایندگی در تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی افغانستان ابراز نگرانی کردند:

روند انتخاب اعضای تیم مذاکره کننده با طالبان در دوحه می توانست شفاف تر از این باشد. [...] کسانی که انتخاب شدند تا بروند و با طالبان

مذاکره کنند، خود را مکلف به حسابدهی به شهروندان عادی افغانستان نمی دانند. - پناهیست زن شماره ۱، جامعه مدنی

نتیجه گیری

از تحلیل روند برگزاری گردهمایی کندهار چند نتیجه میتوان گرفت.

نخست اینکه که ثابت شد متمرکز نگاه داشتن اشتراک کنندگان و پناهیستها بر شناسایی عوامل اصلی جنگ های محلی و چگونگی پرداختن به آنها برای ایجاد شرایط صلح پایدار در سطح محل، کار دشواری است. در جریان گفتگو درباره حل منازعه و تلاش برای صلح، نکته اساسی که توسط اشتراک کنندگان مورد اشاره و توجه قرار گرفت، عبارت از مذاکرات دوحه بوده است. آنها در صورت ناکامی مذاکرات در سطوح عالی، امید اندکی داشتند که منازعات محلی جاری بتواند حل و فصل شود.

مشاهده دوم که با نکته اول در ارتباط است، گرایش مقامات دولت، روشنفکران و جامعه مدنی به تمرکز کردن بر مسائل سطح عالی و عمومی است تا مسائل محلی مشخص. همچنین این گرایش وجود داشت که از گفتگو و مناظره به مثابه فرصتی استفاده شود برای ترتیب فهرست خواسته هایی که باید توسط کارگزاران سطح عالی، چه دولت باشد چه تمویل کنندگان بینالمللی، برآورده شوند.

سوم اینکه، اکثر اشتراک کنندگان بین صلح و انکشاف اقتصادی رابطه روشنی برقرار کردند. اینکه هواداران صلح بین این دو عامل ارتباط برقرار می کنند، نشان می دهد که آجندای صلح باید حاوی احکام و پلان هایی برای رسیدگی به مسائل اقتصادی در طولانی مدت باشد.

چهارم، نگرانی واقعی در مورد پیامد صلح ملی برای حقوق زنان و حقوق اساسی به طور کلی وجود دارد. این نگرانی همچنین نشان می دهد که یک آجندای فراگیر برای صلح در هر سطحی باید دارای مقررات صریح برای حمایت از حقوق اساسی زنان و مردان باشد.

پنجم اینکه یک نگرانی جدی درباره شکاف های درونی اجتماعات بر مبنای بافت های قومی قدرتمندان محلی وجود دارد. برخی از اشتراک کنندگان می ترسند که ناکامی در رفع این شکاف ها، چه در صورت تحقق و چه در صورت عدم تحقق صلح، می تواند به بروز خشونت مبتنی بر قوم و خویشاوندی در سطح محل منتهی گردد.

قدردانی

عکس صفحه پوش توسط محمد عارف کریمی گرفته شده است.

تذکر قانونی و رفع ادعا

© حق کاپی و تمامی حقوق دیگر برای ORPPA، OPDAM و SEF محفوظ است.

هیچ یک از بخش های این اثر بدون کسب اجازه کتبی قبلی از موسسه APPRO (www.appro.org.af)، MADPO (www.mediothek-afghanistan.org) و FES (www.afghanistan.fes.de) نمی تواند بازتولید و در سیستم بازیابی، ذخیره شود و یا به هر شکلی یا با استفاده از هر وسیله ای به جای دیگر انتقال داده شود.

Abed, Fahim and Fatema Faizi (2020). Afghan War Casualty Report. The New York Times. 2 January. Available at: <https://www.nytimes.com/2020/01/02/magazine/afghan-war-casualty-report-january-2020.html>

Britannica, The Editors of Encyclopedia. (2013) “Kandahār”. *Encyclopedia Britannica*, 19 June. Available at: <https://www.britannica.com/place/Kandahar>.

Faizi, Fatima (2019). Afghan War Casualty Report. The New York Times. September 26. Available at: <https://www.nytimes.com/2019/09/05/magazine/afghan-war-casualty-report.html>

Islamic Republic of Afghanistan, National Statistics and Information Authority (2019). Afghanistan Multidimensional Poverty Index 2016-2017: Report and Analysis. Available at: https://www.mppn.org/wp-content/uploads/2019/03/AFG_2019_vs9_online.pdf

Islamic Republic of Afghanistan, National Statistics and Information Authority (2021). Afghanistan Statistical Yearbook 2020. Issue No: 42. Available at: <https://www.nsia.gov.af:8080/wp-content/uploads/2021/04/Afghanistan-Statistical-Yearbook-first-Version.pdf>

Ruttig, Thomas (2018). The Killing of Razeq: Removing the Taliban’s strongest foe in Kandahar, an indirect hit at elections. Afghanistan Analysts Network. 19 October. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/the-killing-of-razeq-removing-the-talebans-strongest-foe-in-kandahar-an-indirect-hit-at-elections/>

Sabawoon, Ali Mohammad, and Thomas Ruttig (2019). Kandahar from Razeq to Tadin (1): Building the ‘American Tribe’. Afghanistan Analysts Network. 12 August. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/kandahar-from-razeq-to-tadin-1-building-the-american-tribe/>

Sabawoon, Ali Mohammad, and Thomas Ruttig (2019). Kandahar from Razeq to Tadin (2): The collapse foretold that did not happen. Afghanistan Analysts Network. 14 August 14. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/kandahar-from-razeq-to-tadin-2-the-collapse-foretold-that-did-not-happen/>

Sabawoon, Ali Mohammad (2019). Government Rule Confined to Districts and Provincial Centres: Zabul’s capital under threat. Afghanistan Analysts Network. 5 November. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/government-rule-confined-to-district-and-provincial-centres-zabuls-capital-under-threat/>

Salahuddin, Sayed (2020) Afghans turn to Taliban in forgotten province. Arabnews. February 9. Available at: <https://www.arabnews.com/node/1625056/world>

Sharafat, Shareefullah. and Frud Bezhan (2018). The Forgotten Afghan Province That is a Key Taliban stronghold. Radio Free Europe/ Radio Liberty. 16 December. Available at: <https://www.rferl.org/a/the-forgotten-afghan-province-that-became-taliban-country/29659327.html>

United Nations' Assistance Mission in Afghanistan (2021). Afghanistan. Protection of Civilians in Armed Conflict: 2020. Available at: https://unama.unmissions.org/sites/default/files/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020_revs3.pdf

United Nations Office on Drugs and Crime, and Islamic Republic of Afghanistan: National Statistics Information Authority (2021). Afghanistan opium survey 2019. Socio-economic survey report: Drivers, causes and consequences of opium poppy cultivation. Kabul, Vienna: February 2021.

United Nations - Secretary General (2019). The Situation in Afghanistan and its Implications for International Peace and Security, A/73/777-S/2019/193, 28 February. Available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N19/050/66/PDF/N1905066.pdf?OpenElement>